

نوع مقاله: پژوهشی  
صفحات ۸۷ - ۱۱۰

## امامت حضرت علی(ع) در سیره فاطمی

محمد رضا پاکباز<sup>۱</sup>

عبدالحسین خسرو پناه<sup>۲</sup>

جوادی ابوالقاسمی<sup>۳</sup>

### چکیده

اثبات امامت حضرت علی ع بواسطه قول و فعل حضرت زهراء س معصومه هدف مقاله بوده که ادله افضلیت و علم یا عصمت را نیز شامل است لذا عصمت حضرت زهراء س و همچنین ضرورت اطاعت امام حق بنابر حدیث «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» از پیش فرض های این مقاله است. مدعای مقاله با دو قیاس استثنایی و اقتراعی ثابت شده و در هر قیاس مقدمه ای بدیهی و مقدمه دیگر محل بحث است.

اما در قیاس استثنایی با نفی قابلیت مدعیان خلافت برای جانشینی پیامبر و بنابر ضرورت در تحت ولایت امام حق بودن، امامت حضرت علی ع برای ایشان ثابت خواهد بود. اما در قیاس اقتراعی با نقل روایات و بیان ملاکات خلافت و با سیره عملی، توسط حضرت زهراء س امامت حضرت علی ع ثابت شده است.

### واژگان کلیدی

امامت حضرت علی (ع)، امام حضرت زهرا(س)، نفی مدعیان خلافت، دفاع از امام علی (ع).

۱. دانشجوی دکتری کلام شیعه، دانشگاه امیرالمومنین(ع)، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: pakbaz8@chmail.ir

۲. استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران.

۳. استادیار گروه وهابیت، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۹/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۳

## طرح مسأله

اثبات امامت حضرت علی ع با استدلالی جدید با حد وسط سیره فاطمی و در قالب دو قیاس مستقل و تثبیت اسناد احادیث اهل سنت و شیعه، نوآوری این نوشتار است، بعض پیشینه‌ی نزدیک به این موضوع عبارت است از: الغدير علامه امینی (اشاره ایی شده)، مأساة الزهراء سيد جعفر مرتضی عاملی، فاطمه معیار شناخت از اردکانی و بعض مقالات مانند امام شناسی حضرت زهراء از دانشگاه قرآن و حدیث. علوم انسانی اقتضاء می کند در مفردات اجمال نباشد لذا تبیین مفهوم امام و عصمت، و ضرورت معرفت امام حق با بررسی حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» ضروری بوده.

## مفهوم لغوی و اصطلاحی امام و امامت

معنای لغوی امام در کتاب مفردات، همه‌ی استعمالات امام را به معنای امری که مورد تبعیت است ارجاع شده (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۳) و در اصطلاح امام به معنای ریاست در امر دین و دنیا معرفی شده مانند: باب الحادی العشر (علامه حلی، ۱۴۱۷ق: ۹۳) و شرح المقاصد (سعد الدین تفتازانی، بی تا، ۵: ۲۳۲) شرح مواقف (ایجی، بی تا، ۸: ۳۴۵) و أبکار الأفكار في أصول الدين (آمدی، بی تا، ۵: ۱۲۱) و النکت الاعتقادیه (شیخ مفید، بی تا: ۳۹) و قواعد العقائد (طوسی، ۱۴۱۳ق: ۸۳).

اشتراکات تعریف امام نزد فریقین: ۱- تعریف امام ضد سکولاریسم است. ۲- ریاست در امور دین و دنیا را از شوون امام می دانند. ۳- منصب امام، جانشین پیامبر (ص) بوده و دارای تقدس و واجب اطاعه است. اما تفاوت ماهوی، امام در اصطلاح علم کلام بین شیعه و اهل سنت متعدد است و اینگونه نیست اختلاف فقط در مصداق باشد بلکه در صفات امام نیز اختلاف دارند، زیرا:

۱- لازمه حافظ شریعت بودن امام علم به شریعت است ولی اهل سنت علم را شرط نمی دانند و ادعای علم دین برای خلفاء ندارند و جمله معروف خلیفه‌ی دوم [لولا علی لهلك عمر] (قندوزی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۲۱۶ و ۲: ۱۷۳ و ۳: ۱۴۷؛ صفدی، ۱۴۲۰ق، ۲۱: ۱۷۹؛ ایجی، بی تا، ۳: ۶۲۸؛ مناوی، ۱۴۱۴ق، ۴: ۴۷۰؛ امینی، ۱۳۹۷ق، ۳: ۹۷) شاهد است.

۲- تعریف شیعه از امام پیشینی و تعریف اهل سنت پسینی است لذا اجرای دین

متوقف بر عدالت است ولی اهل سنت آن را شرط نمی دانند، می گویند: «و يجب طاعة الإمام ما لم يخالف حكم الشرع سواء كان عادلا أو جائرا» (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۲۳۴ و ۲۳۳).

۳- امام در نگاه شیعی باید تفسیر حقیقی از دین بدهد نه اجتهادی تا تفسیرش عاری از خطاء باشد لذا دارای علم لدنی است.

۴- شرطیت عصمت برای امام، ضرورت نص را می رساند، لذا مردم تعیین امام ندارد.

### ماهیت عصمت، لغوی و اصطلاحی

ماده «عصم» یکی به معنای منع می باشد «کل ما امسك شيئاً فقط عصمه.» (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۷: ۴۸۲) و دوم، چیزی که به آن اعتصام می شود. (زکریا، ۱۴۰۴ق، ۴: ۳۳۲) اما عصمت در مباحث کلامی بر نگهداری در برابر گناه، و اشتباه و خطاء نیز اطلاق می شود که نتیجه آن ترک گناه و خطاست. عصمت به ملاک قاعده لطف نظر بعضی از علماء است مانند: النکة الاعتقادية (مفید، بی تا: ۳۷) و کشف المراد (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۹۴). اما عصمت اصطلاحی نیز در لسان پیامبر<sup>۱</sup> ص (قندوزی، ۱۴۱۶ق: ۳۱۶) و حضرت علی ع «... لا يخالفون الدين ولا يختلفون فيه...»<sup>۲</sup> (سید رضی، ۱۴۱۲ق، ۲: ۳۳؛ یعقوبی، بی تا، ۲: ۱۹۳؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۴۵۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۱۸ق، ۹: ۱۰۶) و همچنین، «أما امر الله عزوجل بطاعة الرسول لأنه معصوم مطهر لا يأمر بمعصية.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۱۳۰) و ابن حجر هیتمی صاحب الصواعق المحرقة بر عصمت اهل بیت تصریح شده «... فهم ليسوا بشيعة لأهل البيت المبرئين من الرجس المطهرين من شوائب الدنس» (الهیتمی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۴۵۲).

### تبیین حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه»

پیش فرض دیگر، حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» که مقبول بین فریقین بوده و قابلیت ادعای تواتر اجمالی و یا معنوی درباره آن وجود دارد و حتی

۱. پیامبر ص فرمود: «انا و علی و الحسن و الحسین و تسعة من ولد الحسین مطهرون معصومون».

۲. اگر چه در خطبه ۲۳۹ نیز با تعبیر «لا يخالفون الحق و...» آمده است.

نسبت به بعضی الفاظ آن، احتمال تواتر لفظی نیز منتفی نیست و این حدیث دلالت بر لزوم اطاعت از امام حق دارد.

### سند حدیث

حدیث در منابع اهل سنت، مانند: (شیبانی، ۱۴۲۱ق، ۴: ۹۶) (الطیالسی، بی تا: ۲۵۹) و (الهندی، بی تا، ۱: ۱۰۳) و (متوکل علی الله، بی تا: ۴۷۵) و (فخر رازی، بی تا: ۷) و تفتازانی (۷۹۲ق) و در شرح مقاصد (تفتازانی، بی تا، ۳: ۲۳۹) و شرح عقائد نسفیه (تفتازانی، ۱۴۰۷ق: ۲۳۲) و (عبدالقادر القرشی، بی تا، ۲: ۴۵۷ و ۵۰۹) و (قندوزی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۳۵۱) و (ابن ابی الحدید، بی تا، ۹: ۱۵۵) و (حاکم نیشابوری، بی تا، ۱: ۷۷) و (الاسکافی، ۱۴۰۲ق: ۲۲) و (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق) و (ابن حبان، بی تا، ۱۰: ۴۳۴) و طبرانی (۳۶۰ق) و (الطبرانی، ۱۴۱۵ق، ۶: ۷۰) و (دار القطنی، ۶۳: ۷) و (محبی الدین النووی، بی تا، ۱۹: ۱۹۰).

حدیث در منابع شیعی، مانند: (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۲۵۱) و (صدوق، ۱۳۷۸، ۱: ۶۳) و (مفید، بی تا: ۲۶۸) و برقی (۲۷۴ق) و (البرقی، بی تا، ۱: ۱۵۵) و (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ۳: ۱۸) و (صفار، ۱۴۰۴ق: ۲۵۹)، لذا سند حدیث قوی است.

### دلالت حدیث

دلالت حدیث «من مات...» این گونه است که مراد از معرفت، و جوب اطاعت از امام حق است و الا متصف به مرگ جاهلی خواهد شد. مانند: (کلینی، بی تا، ۱: ۴۴۵) و مجمع الزوائد و منبع الفوائد هیشمی (الهیشمی، ۱۴۱۴ق، ۵: ۲۱۸) و (أحمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ۳: ۴۴۶). اما مرگ جاهلی بنابر اقوال مختلف اهل سنت به معنای خروج از اسلام و به معنای تفرقه و بی نظمی، «انحراف»، «عصیان» و «کفر نعمت اسلام» مطرح شده (ابن اثیر، ۱۳۶۴ش، ۱: ۳۲۳) (فخر رازی، بی تا: ۷) و محمد بن عبدالوهاب (الفوزان، ۱۴۲۱ق: ۹) و (النووی، بی تا، ۱۲: ۲۳۸) و شرح سنن نسائی (السیوطی، ۱۴۰۶ق، ۷: ۱۲۳) و (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۱۳: ۵) و شرح بخاری (بدر العینی، بی تا، ۲۴: ۱۷۸) و بنابر هر معنایی ساحت حضرت زهراء س بدلیل عصمت، از این رجس منزله و پاک خواهد بود و لذا قطع پیدا می کنیم ایشان هرگز بدون معرفت و اطاعت از امام حق نبوده اند.

با توضیحاتی که درباره هر دو پیش فرض (عصمت حضرت زهراء س و لزوم معرفت

و اطاعت از امام حق) بیان شد، زمینه اثبات امامت حضرت علی ع مبتنی بر سیره فاطمی با دو قیاس استثنایی و اقترانی فراهم می گردد.

### قیاس استثنایی بر امامت و خلافت حضرت علی(ع)

مقدمه اول: حضرت زهرا یا مأموم و در اطاعت حضرت علی ع و یا مأموم و در اطاعت ابوبکر یا شخص ثالث است.

مقدمه دوم: لکن فعل و قول حضرت زهراء س نافی امامت ابوبکر و یا شخص ثالث می باشد.

نتیجه استدلال: پس حضرت زهراء س امامت حضرت علی ع را پذیرفته لذا خلیفه‌ی بلافصل رسول الله ص و امام حق، حضرت علی ع است.

اما مقدمه‌ی اول مبتنی بر حصر منطقی بوده و فرضی از آن خارج نیست لذا وضوح صحت آن احتیاج به دلیلی ندارد.

اما مقدمه‌ی دوم قیاس، با دلائل گفتاری و رفتاری حضرت زهراء س در نفی امامت ابوبکر و شخص ثالث، اثبات خواهد شد.

### دلائل گفتاری در نفی مدعیان خلافت

حضرت زهراء س با طرح جملات اعتراضی در صحنه‌های مختلف عدم قابلیت آنان برای جانشینی پیامبر ص را مبرهن می نماید مانند:

#### ۱- در هنگام مطالبه فدک

بلاذری(۲۷۹ق) نویسنده معروف و صاحب تاریخ بزرگ انساب الاشراف کلام حضرت را در ضمن مطالبه فدک چنین آورده: «ذَخَلْتُ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ ... قَالَتْ: وَ اللَّهُ لَا أُكَلِّمُكَ ... وَاللَّهِ لَأَدْعُونَ اللَّهَ عَلَيْكَ» (البلاذري، بی تا، ۳: ۳۱۶) «فاطمه [س] بر ابوبکر وارد شد ... [پس از آن که ابوبکر با سخنانی از پس دادن فدک به ایشان خودداری نمود و شهود ایشان را نپذیرفت] ... ایشان فرمود: به خدا قسم دیگر با تو سخن نخواهم گفت ... و به خدا سوگند تو را نفرین خواهم کرد.»

همچنین جوهری بصری صاحب السقیفه و فدک(۳۲۳ق) عبارتی با همین مضمون از حضرت زهراء س آورده. (جوهری بصری، بی تا: ۱۰۲) ترمذی و ابن حجر عسقلانی و

مقریزی در همین مضمون، درباره قهر و عدم تکلم با خلفاء را آورده (البانی، بی تا، ۴: ۱۰۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۶: ۱۳۹؛ المقریزی، بی تا، ۱۳: ۱۵۸ و ۱۵۹).  
البانی در نقل دیگر عبارتی خطاب به خلیفه اول و دوم آورده است. (البانی، بی تا، ۴: ۱۰۹).

### سند حدیث بلاذری

تعدد نقل اهل سنت و مفاد کلام حضرت زهراء س در نفی خلیفه اول، دو قرینه ایی هستند که احتمال هر گونه جعل را در نقل اصل غضب و قهر حضرت نسبت خلیفه اول منتفی می کند. لذا این کلام حضرت در نفی مدعیان خلافت ثابت می شود.

### دلالت حدیث

تعبیر نفرین در کلام حضرت قرینه‌ی متصلی بر اراده قهر و عدم رضایت و غضب حضرت از خلیفه اول بواسطه سلب حقی که از ایشان شده و کسی که مورد تهدید نفرین حضرت س است، مورد رضایت او برای منصب خلافت نیست. همچنین بخاری (م ۲۵۶هـ) از غضب و قهر فاطمه س بر ابوبکر سخن گفته، در نتیجه غضب فاطمه س بر ابوبکر غیر قابل انکار است. (البخاری الجعفی، ۱۴۰۱ق، ۴: ۴۲)

### شبهه در دلالت حدیث

بعض از علماء اهل سنت، با تأویل کلام حضرت آن را از اعتراض خارج کرده و به عنوان تصدیق شیخین محسوب داشته اند، کانه حضرت فرموده من از شما راضی شدم و دیگر درباره مال و ارث سخن نمی گویم، نه اینکه با شیخین قهر و یا رنجیده شده باشند. این خلاف ظاهر و تأویل را، صاحب کتاب «صحیح و ضعیف سنن الترمذی»، از بعض اهل حدیث به عنوان مؤید نظر شیخین نقل کرده و نسبت به این توجیحات نقدی نزنده است. (البانی، بی تا، ۴: ۱۰۹)

اما در پاسخ باید گفت همانطور که ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ق)، در قضیه عیادت شیخین از حضرت زهراء س، بعد از نقل بعض تأویلات کلام حضرت، با نقل کلام ابو سعید الشاشی صاحب مسند، عدم تکلم را حمل بر قهر، و ذکر غضب را به عنوان قرینه بر قهر محسوب نموده. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۶: ۱۳۹)

همچنین مقریزی (۸۴۵ق) مورخ مصری در کتاب «امتاع الاسماع» همین پاسخ را داده است. (المقریزی، بی تا، ۱۳: ۱۵۸ و ۱۵۹) و حتی در قول عدم ارث انبیاء، تشکیک می کند.

## ۲- در ضمن خطبه فدکیه

اما کلام حضرت زهرا س در خطبه فدکیه، ردّ خلافت ابوبکر و همراهان او و دلیل دیگری بر عدم مشروعیت آنان است.

«یا بن ابی قحافة! أ فی کتاب الله ان ترث اباک ولا ارث ابی؟ لقد جئت شیئاً فریاً افعلی عمد ترکتم کتاب الله ونبذتموه وراء ظهورکم؟ اذ یقول: (وورث سلیمان داود) (نمل: ۱۶) ...» (ابن طیفور، بی تا: ۲۳-۲۶؛ جوهری بصری، بی تا: ۹۹؛ ابن ابی الحدید، بی تا، ۱۶: ۲۱۲ و ۲۵۱؛ ابن حیون، بی تا، ۳: ۳۶؛ الحلبي، ۱۴۰۴ق: ۳۴۳؛ طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳ق: ۱۱۷؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۱۰۲؛ ابن طاووس، بی تا، ۱: ۲۶۵؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ۱: ۴۸۹؛ شامی، ۱۴۲۰ق: ۴۷۴)

«هان ای پسر ابی قحافة! آیا در قرآن آمده که تو از پدرت میراث می بری، اما من نبرم؟ راستی که دروغ رسوایی آورده ای و بدعتی زشت در دین می نهی! آیا آگاهانه کتاب پرشکوه خدا را پشت سرافکنده ای در حالی که قرآن چنین می فرماید: «سلیمان از پدرش داود ارث برد»؟».

و در جای دیگر فرموده اند: «فَلَمَّا اخْتَارَ اللهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ اَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى اَصْفِيَاءِهِ ظَهَرَ فَيَكُمُ حَسَكَةُ النَّفَاقِ...» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۱۰۱) «اکنون که خدای تعالی پیامبر خود را به سرای انبیا و برگزیدگان خود نقل مکان فرمود؛ میان تان خار باطنی نفاق ظاهر گشت..»

## سند خطبه فدکیه

کتبی که درباره خطبه فدکیه از زوایای مختلف نگاشته شده، در حدود ۱۱۲ کتاب ثبت شده. (مجلسی، ۱۳۷۹، ۴۳: ۷۹۹ و ۸۰۴) همچنین کتب مستقل با نام خطبه الزهراء س نوشته شده (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ۷: ۲۰۳) و خطبه فدکیه در منابع اهل سنت در حدود ۱۷ منبع در بحار به آن اشاره شده (مجلسی، ۱۳۷۹، ۴۳: ۷۹۹ و ۸۰۴). خطبه فدکیه با بیست و پنج سند در منابع، ذکر شده است که عبارتند از:

سه سند در کتاب بلاغات النساء (ابن طیفور، بی تا: ۲۳ و ۲۶)، چهار سند در کتاب

شرح بر نهج البلاغة (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۸ق، ۱۶: ۲۱۱)، یک سند در کتاب من لایحضره الفقیه (صدوق، ۱۴۰۶ق، ۳: ۵۶۷)، سه سند در کتاب علل الشرایع (صدوق، ۱۳۸۵ق، ۱: ۲۴۸)، یک سند در کتاب الطوائف فی معرفة مذهب الطوائف (ابن طاووس، بی تا، ۱: ۲۶۳)، سه سند در کتاب الشافی فی الامامة (۴۳۶ق) (سید مرتضی، بی تا، ۴: ۶۹ و ۷۶ و ۷۰) و ده سند در کتاب دلائل الامامة (طبری، ۱۴۱۳ق: ۱۰۹ و ۱۱۱) آمده است.

### دالالت خطبه

حضرت س نسبت جهل به احکام و یا عمد در مخالفت از احکام قرآن و همچنین فرض نفاق را مطرح نموده اند و هر سه فرض با ملاکات خلیفه مسلمین تناسب ندارد، لذا این افشاگری حضرت، با اعتقاد ایشان به امامت ابوبکر سازگار نیست بلکه نفی او محسوب می شود. اگر اعتراض حضرت برای مال دنیا بود، طرح بحث نفاق لازم نبود در حالیکه حضرت بحث نفاق را مطرح نموده است.

### ۳- صحنه هجوم به خانه و صحنه بیعت گرفتن اجباری

حضرت در صحنه های متعدد بیزاری خود را از خلفاء وقت اعلام داشته مانند: در ماجرای هجوم به خانه حضرت و آتش زدن درب خانه، فرمودند: «يَا رَسُولَ اللَّهِ مَاذَا لَقِينَا بِغَدَاكَ مِنْ ابْنِ الْحَطَّابِ وَ ابْنِ أَبِي قُحَافَةَ» (ابن قتیبة الدینوری، بی تا، ۱: ۲۰؛ کحاله، بی تا، ۴: ۱۱۵) و یا در صحنه بیعت گرفتن اجباری از حضرت علی ع چنین فریاد و ناله کردند: «... وَاللَّهِ لَوْ لَا أَنْ تَكُونَ سَيِّئَةً لَنَشَرْتُ شَعْرِي وَ لَصَرَحْتُ إِلَى رَبِّي...» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۵: ۵۴۱) و «... فَقَالَتْ: اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا قَدْ آذَيَانِي فَأَنَا أَشْكُوهُمَا إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ لَا وَ اللَّهُ لَا أَرْضَى عَنْكُمَا أَبَدًا حَتَّى أَلْقَى [أَبِي] رَسُولَ اللَّهِ وَ أُخْبِرَهُ بِمَا صَنَعْتُمَا فَيَكُونَ هُوَ الْحَاكِمَ [فِيكُمَا]...» (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ۲: ۸۶۹) و یا در صحنه عیادت شیخین در زمان بستری بودن حضرت چنین اعلام مخالفت با آنان را مطرح نمودند: «والله لأدعون الله عليك في كل صلاة أصليها». (الدینوری، ۱۴۱۸ق، ۱: ۱۷) البته در سند هجوم به خانه حضرت و گرفتن بیعت اجباری در سیره عملی حضرت بررسی می شود ولی بطور خلاصه تعدد نقل در منابع مختلف و وضوح دالالت، استحکام سند و دالالت کلام حضرت را مبین می کند.

### سیره عملی حضرت در نفی مدعیان خلافت



سیره عملی حضرت دلیل دیگری در نفی مدعیان خلافت است. با اثبات سند رفتارهای معنا دار حضرت، مانند: «قهر عملی و عدم تکلم» و «مانعت از بیعت گرفتن اجباری» و «وصیت به دفن شبانه» دلالت بر سلب و نفی خلافت مدعیان زمانشان نیز معلوم می گردد. اما استمرار قهر حضرت تا پایان حیات ایشان نسبت به غاصبین خلافت و فدک و همچنین آتش زدن درب خانه یا حدانقل تهدید به آتش زدن می تواند بطور بدیهی موجب خشم آن حضرت باشد که بطور مسلم نفی امامت و خلافت خلیفه اول و دوم را در پی دارد که خود دلیلی مستقل بر عدم صلاحیت مدعیان خلافت است.

اما مقاومت حضرت و مانعت از ورود مأمورین خلیفه، مخالفتی عملی نسبت به دستور خلیفه اول و نشانه‌ی بی بر عدم اطاعت از خلیفه اول و عدم مقبولیت و مشروعیت دستورات خلیفه در نزد حضرت است. البته استدلال به مقاومت در برابر حکم خلیفه و مهاجمین، فرع اثبات اصل جریان هجوم مأموران به خانه آن حضرت است.

### اثبات هجوم به بیت حضرت زهراء س

ابن قتیبة دینوری(۲۷۶ق) در کتاب الامامه والسیاسه و نیز عمر رضا کحاله در اعلام النساء آمدن عمر به همراه جمعی و گریه و فریاد حضرت زهراء را بیان کرده اند. (الدینوری، بی تا، ۱: ۱۲ و ۲۰)، (کحاله، بی تا، ۴: ۱۱۵)

ابن عبد ربه اندلسی(متوفی: ۳۲۸هـ) در کتاب العقد الفرید، ماجرای هجوم و اهانت خلیفه دوم و همراهی خلیفه اول را بیان نموده. (عبد ربه الأندلسی، ۱۴۰۴ق، ۴: ۹۳ و ۵: ۱۳) ابوبکر ابن ابی شیبہ (۱۵۹ق-۲۳۵ق) محدث معروف اهل سنت و مؤلف کتاب المصنّف با سندی صحیح ماجرای هجوم را نقل نموده. (ابن ابی شیبة الکوفی، ۱۴۰۹ق، ۸: ۵۷۲)، احمد بن یحیی بن جابر بلاذری (۲۷۰ق) مورخ معروف این رویداد تاریخی را در کتاب انساب الاشراف (بلاذری، بی تا، ۱: ۵۸۶) و مورخ معروف محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰) در تاریخ خود هتک حرمت خانه وحی را آورده اند. (الطبری، ۱۴۰۳، ۲: ۴۴۳)

### استفاضه در مبانی اهل سنت

بنابر مبانی اعتبار حدیث اهل سنت، اخبار هجوم، معتبر است زیرا سبکی(۷۷۱ق) در «رفع الحاجب عن مختصر ابن الحاجب»(السبکی، بی تا، ۲: ۳۰۸) و جزائری

دمشقی (۱۳۳۸ق) در «توجیه النظر الی اصول الاثر» (السمعونی، بی‌تا، ۱: ۱۱۲) و شوکانی (۱۲۵۵ق) در «ارشاد الفحول» (الشوکانی، ۱۴۱۹ق، ۱: ۱۳۷) و حسن عطار (۱۲۵۰ق) در «حاشیه العطار علی جمع الجوامع» (حسن العطار، ۱۴۲۰ق، ۲: ۱۵۷)، زیرا در روایت «مستفیض»، دو طریق کافی است. در حالی که طرق این روایات متعدد است.

### وصیت دفن شبانه و خفاء قبر

حضرت با وصیت به دفن شبانه و خفاء قبر، مخالفت عملی با مدعیان خلافت داشته و با این مظلومیت و ناراحتی، مانع از فریب تاریخی و اظهار محبت غاصبین فدک و خلافت با حضور در نماز شد. اما وصیت حضرت در منابع اهل سنت: ابن قتیبه دینوری (متوفای ۲۷۶هـ)، در «تأویل مختلف الحدیث» می‌نویسد: «...وأوصت أن تدفن لیلاً لئلا يحضرها دفنت لیلاً». (الدینوری، ۱۴۱۹ق، ۴۲۷) «... و وصیت کرد که شبانه دفن شود تا او (ابوبکر) در دفن وی حاضر نشود». عبد الرزاق صنعانی (متوفای ۲۱۱هـ)، محدث ثقه اهل سنت در کتاب المصنف آورده. «فاطمه دختر پیامبر شبانه توسط علیّ به خاک سپرده شد، تا ابوبکر بر وی نماز نخواند؛ چون بین آن دو اتفاقاتی افتاده بود و خود فاطمه این چنین وصیت کرده بود». (الصنعانی، ۱۴۰۳ق، ۳: ۵۲۱) و ابن بطال (متوفای ۴۴۹هـ)، در شرح صحیح بخاری می‌نویسد: «اکثر علما دفن جنازه را در شب اجازه داده اند. علی بن ابوطالب، همسرش فاطمه را شبانه دفن کرد تا ابوبکر به او نماز نخواند؛ چون بین آن دو اتفاقاتی افتاده بود.» (ابن بطال البکری القرطبی، ۱۴۲۳ق: ۳۲۵).

همچنین محمد بن اسماعیل بخاری، (البخاری الجعفی، ۱۴۰۱، ۵: ۸۳؛ صحیح مسلم، بی‌تا، ۵: ۱۵۴) و ابن حجر عسقلانی در «فتح الباری فی شرح صحیح البخاری» (العسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۷: ۳۷۸) و عینی در «عمدة القاری شرح صحیح البخاری» (العینی، بی‌تا، ۱۷: ۲۵۹) و ابن ابی الحدید (متوفای ۶۵۵هـ) به نقل از جاحظ (متوفای ۲۵۵) می‌نویسد: «شکایت و ناراحتی فاطمه (از دست غاصبین) به حدی رسید که وصیت کرد ابوبکر بر وی نماز نخواند.» (ابن ابی الحدید المدائنی المعتزلی، ۱۴۱۸ق، ۱۶: ۱۵۷) و می‌نویسد: «مخفی کردن مرگ فاطمه و محل دفن او و نماز نخواندن ابوبکر و عمر و هر آن چه که سید مرتضی گفته است، مورد تأیید و قبول من است؛ زیرا روایات بر اثبات این موارد صحیح تر

و بیشتر است و همچنین ناراحتی و خشم فاطمه بر شیخین نزد من از اقوال دیگر اعتبار بیشتری دارد» (ابن ابی احدید، ۱۴۱۸ق، ۱۶: ۱۷۰). اما خبر دفن شبانه در منابع شیعی امر مسلمی بوده مانند: کلام امیر المؤمنین ع در مراسم دفن حضرت فاطمه س و وضوح در نارضایتی حضرت زهراء س از کسانی که حرمت او را شکستند و حقش را بردند و نارضایتی در آن مسلم است (سید رضی، ۱۴۱۲ق، ۲: ۱۸۲) همچنین مرحوم شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱هـ) در کتاب علل به نقل از امام صادق ع می فرماید: «...قَالَ لِأَنَّهَا أَوْصَتْ أَنْ لَا يُصَلِّيَ عَلَيْهَا رِجَالُ [الرَّجُلَانِ]» (الصدوق، ۱۳۸۵، ۱: ۱۸۵). اما به دلیل حجیت کلام حضرت زهراء معصومه س و اخبار مذمت مطلق مغضوبین حضرت و ملازمه بین ایذاء ایشان و پیامبر ص (متقی هندی، ۹۷۵ق، ۱۲: ۱۱۱؛ حاکم نیشابوری، بی تا، ۳: ۱۶۷؛ هیتمی، ۱۴۱۷ق: ۱۷۵؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۳۸۴؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۲۷؛ البخاری، ۱۴۰۱ق، ۴: ۲۱۰ و ۲۱۹) و (مسلم، ۲۶۱، ۷: ۱۴۱)، نتیجه می شود که مغضوبین حضرت، مغضوبین خدا و رسول هستند و این غضب، کشف از نداشتن ملائک‌های حاکم جامعه اسلامی و عدم شایستگی مدعیان خلافت دارد و مجموع این دلائل گفتاری و رفتاری (سلبی) حضرت، که اثبات مقدمه دوم قیاس استثنایی بود موجب صحت امامت امیرالمؤمنین می گردد.

### قیاس اقترانی بر امامت و خلافت حضرت علی ع

مقدمه اول: حضرت علی ع به واسطه سیره‌ی عملی و گفتاری حضرت زهراء معصومه س به عنوان امام خویش معرفی شده است.

مقدمه دوم: هر که را زهراء معصومه س به واسطه سیره‌ی عملی و گفتاری به عنوان امام خویش معرفی نموده، خلیفه‌ی بلافصل پیامبر ص و امام بر حق مسلمانان است.

نتیجه: پس حضرت علی ع خلیفه‌ی بلافصل پیامبر ص و امام بر حق مسلمانان است. همانطور که قبلاً بیان شد صحت کبری و مقدمه دوم قیاس، به عنوان پیش فرض قیاس، بیان شد و نیاز به اثبات ندارد.

نوشتار حاضر متکفل اثبات مقدمه‌ی اول قیاس است که در ضمن دلائل گفتاری و دلائل رفتاری حضرت زهراء س بیان شده و با بررسی سندی و دلالتی، ثابت می شود که حضرت علی ع به عنوان امام حضرت زهراء معصومه س معرفی شده است.

## دلایل گفتاری بر امامت حضرت علی ع

تثبیت امامت حضرت علی ع با دلایل گفتاری حضرت زهراء س با نقل جملاتی از حضرت پیامبر ص در مقام احتجاج یا روایت گری بیان گردیده. اخباری مانند:

### نقل حدیث غدیر

خزاز رازی از علمای شیعه نیمه دوم قرن چهارم در کفایة الاثر با سند متصل از محمود بن لیبید نقل می کند: «... قلت: هل نص رسول الله ۹ قبل وفاته علی علی بالامامة؟ قالت: «واعجابه أنسیتم یوم غدیر خم ...» (الرازی، ۱۴۰۱: ۱۹۹) «به حضرت زهراء س عرض کردم: آیا حضرت پیامبر ص قبل از وفاتشان نسبت به علی نصی بر امامت بیان داشته است؟ حضرت زهراء س فرمود: خیلی باعث تعجب است آیا روز غدیر خم را فراموش کردید؟». مؤید این حدیث، نقل ابوالخیر محمد جزری شافعی (متوفای ۸۳۳ ق) که در کتابش با نام «أسنی المطالب فی مناقب سیدنا علی بن ابی طالب» با سند خود که آن را به سند مدینی رسانده، همان فقره‌ی حدیث کفایه الاثر را نقل کرده است. (جزری شافعی، بی تا، ۴۹-۵۱) جایگاه جزری شافعی صاحب اسنی المطالب چنان است که مورد مدح شدید علمای اهل سنت و شیعه قرار گرفته است مانند: طبقات الحفاظ که چنین آورده: «... و کان عالماً متقناً فقیهاً، أفتی و درس...» (السیوطی، ۱۴۰۳: ۱۱۳) مؤید دیگر، نقل حدیث اسنی المطالب توسط علمای شیعه مانند میر حامد حسن در عبقات الانوار (حامد حسین، بی تا، ۷، ۱۱۲) و شیخ عباس قمی در کتاب انوار البهیة است. (قمی عباس، بی تا: ۳۴۴).

نقل حدیث غدیر توسط حضرت زهراء س در کتاب دلایل الامامة نیز آمده است، ابن رفاعه حدیث غدیر را از حضرت زهراء س چنین نقل می کند: «...إلیک عتی، فما جعل الله لأحد بعد غدیر خمّ من حجة و لا عذر.» (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳: ۱۲۲) «حضرت فرمود: از من دور شو، خداوند پس از غدیر خم برای کسی عذر و حجتی باقی نگذاشته است.»

### سند نقل حدیث غدیر

سند این حدیث با نه طریق در «دلایل الامامة» طبری صغیر آمده است و با دو طریق، که قبلاً بیان شد، سند احتجاج حضرت زهرا به حدیث غدیر دارای یازده طریق است، لذا حدیث احتجاج حضرت به حدیث غدیر مستغنی از بررسی رجالی است. (طبری آملی

صغیر، ۱۴۱۳: ۱۲۲)

### نقل حدیث منزلت

اما از جمله احادیثی که حضرت زهراء س در تثبیت خلافت حضرت علی ع نقل نموده حدیث منزلت است. «... قالت: «... و قوله صلى الله عليه و آله و سلم أنت مَنى بِمَنْزِلَةٍ هَارُونَ مِنْ موسى» (الجزری، بی تا، ۷: ۴۹؛ علامه امینی، ۱۳۹۷ق، ۱: ۱۹۶)، سند حدیث منزلت در ضمن حدیث غدیر بیان شد.

### نقل حدیث لوح

حدیث لوح از حضرت زهراء س، نیز مفید بر امامت حضرت علی ع است و در آن تصریح به وصایت و امامت حضرت علی ع و یازده فرزنده او شده. جابر بن عبدالله انصاری صحابی عظیم الشأن حضرت پیامبر ص می - گوید: «خدمت حضرت زهرا س رسیدم و صحیفه ای نورانی دیدم. پرسیدم: این چه نوشته ای است؟ فرمود: هَذَا اللُّوحُ أَهْدَاهُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى رَسُولِهِ فِيهِ اسْمُ أَبِي وَ اسْمُ بَعْلِي وَ اسْمُ ابْنِي وَ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي فَأَعْطَانِيهِ أَبِي لِيُسَرِّنِي بِذَلِكَ...» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۶۸۰ و ۶۸۱؛ تاج الدین شعیری، بی تا: ۱۷ و ۱۸؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۳۹۲؛ النعمانی، بی تا: ۶۲؛ صدوق، ۱۳۷۸، ۱: ۴۱؛ صدوق، بی تا: ۳۰۸-۳۱۱؛ مفید، بی تا: ۲۱۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۶۷؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۲۹۰-۲۹۲؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۹۱؛ الوافی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۲۹۶؛ طوسی، بی تا: ۱۴۳؛ مفید، بی تا: ۲۱۰؛ شعیری، بی تا: ۱۷؛ ابن بابویه قمی، بی تا: ۱۲؛ القندوزی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۲۰۰؛ خصیعی، ۱۴۱۹ق: ۳۶۴؛ حلبی، ۱۴۰۴ق: ۴۲۱) «این لوح و کتاب را خداوند به پیامبرش ص اهداء کرد که در آن نام پدرم و شوهرم و اسم دو پسر و اسمی جانشینان پیامبر ص از فرزندان من می باشد. رسول خدا ص آن را به من عطا فرمود تا به وسیله آن خوشحالم کرد.»

### سند حدیث لوح

بعض منابع حدیث، کافی (کلینی، ۱۴۰۲ق، ۱: ۵۲۷) با دو سند و کمال الدین (صدوق، ۱۳۹۵ق، ۱: ۳۰۷) با هفت سند. علاوه بر کثرت منابع و کثرت طرق نقل حدیث، جابر بن عبدالله انصاری مقبول فریقین است. روایت امام باقر و امام صادق علیهما السلام را اهل سنت، به عنوان مخبر صادق می دانند.

## نقل احادیث صریح در امامت و ولایت

حضرت زهراء س در منابع اهل سنت به عنوان ناقل احادیث صریح پیامبر ص، بر ولایت حضرت علی ع محسوب می شود. مانند «تاریخ مدینه دمشق» که حدیث حضرت زهراء س را نقل کرده است: «...قال رسول الله ص لعلی، من كنت وليه فعلى وليه.» (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ۴۲: ۱۸۷)، و «ینایع المودة»، چنین آورده: «و عن فاطمة س رفعته: من كنت وليه فعلى وليه، و من كنت امامه فعلى امامه.» (القندوزی الحنفی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۲۸۶)، همچنین خزاز رازی در «کفایه الاثر» حدیث پیامبر ص به واسطه حضرت زهراء س را نقل می کند: «...كَانَ دَخَلَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ص عِنْدَ لِأَدَّتِي الْحُسَيْنِ ع ... يَا فَاطِمَةُ فَإِنَّهُ إِمَامٌ ابْنُ إِمَامٍ أَبُو الْأَيْمَّةِ التَّسْعَةِ مِنْ صَلْبِهِ أَيْمَةٌ أَبْرَارٌ وَ النَّاسِخُ قَائِمُهُمْ» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۱۹۴)، و در ادامه آورده: «سَأَلْتُ أَبِي ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمْ قَالَ هُمُ الْأَيْمَةُ بَعْدِي عَلِيٌّ وَ سِبْطَايَ وَ تِسْعَةُ مِنْ صَلْبِ الْحُسَيْنِ...» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۱۹۵)، و فرمود: «...علي خیر من أخلفه فيكم، وهو الامام والخليفة بعدي...» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۱۹۷-۱۹۹) و تعبیر «اخلفه فيكم» در حدیث، دلالت بر انتصابی بودن خلافت دارد نه انتخاباتی، همچنان که در آیه شریفه اشاره شده «و قال موسى لأخيه هارون اخلفني في قومي...» (اعراف: ۱۴۲). همچنین تصریح به خلافت و لقب امیر المؤمنین در نقل حدیث کساء توسط حضرت زهراء س آمده، اما حدیث در «عوامل» چنین است: «... فقلت: و عليك السلام يا اباالحسن و يا اميرالمؤمنين... فأقبل عليّ نحو الكساء و قال: السلام عليك يا رسول الله ص أتأذن لي ان اكون معكم تحت الكساء؟ قال له: و عليك السلام يا أخی و خليفتي و صاحب لوائی فی المحشر،...» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ۱۱: ۹۳۰-۹۳۴) (مرعشی نجفی، بی تا، ۲: ۵۵۵ و ۵۵۴).

## تصریح بر امامت بدون نقل حدیث

حضرت زهراء س در ضمن خطبه به عنوان یک دین چنین فرمودند: «...و طاعتنا نظاماً للملّة و امامتنا اماناً للفرقة» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۹۹؛ ابن طیفور، بی تا: ۲۸؛ جوهری بصری، بی تا، ۱۳۹؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ۳: ۵۶۸؛ صدوق، ۱۳۸۵ق، ۱: ۲۴۸؛ طبرسی، ۱۴۱۳ق: ۱۱۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۹۹) و با توجه به شرایط غضب خلافت، تعبیر «نا» در فقره «امامتنا»،

این حق را بر حضرت علی ع تطبیق داده است. حضرت زهراء س در ضمن خطاب به ایی به زنان مهاجر و انصار در دفاع از حضرت علی ع فرمود: «... و ما الذي نعموا من أبي الحسن... و تالله لو تكافؤا عن زمام نبذه اليه رسول الله ص لاعتلقه، و لسار اليهم سيرا سمجا...» (جوهری بصری، بی تا: ۱۱۷) «... و به چه دلیل از ابالحسن انتقام گرفتند؟! ... به خدا قسم اگر از زمام امری که رسول خدا ص به او [علی ع] سپرده بود، دست بر می داشتند، هر آینه او آن را کاملا در دست می گرفت و به راحتی و آسانی آنان را رهبری می کرد...»، سند روایات در عبارت قبل بررسی شد.

مؤید روایات سابق، می توان به خبر دیگر استناد نمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَاهِي بِكُمْ وَغَفَرَ لَكُمْ غَاثَةً، وَلِعَلِّي خَاصَّةٌ، وَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَابٍ بِقَرَابَتِي، إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ». (الشیبانی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۶۵۸) زیرا از لوازم محبت حضرت اطاعت از ایشان خواهد بود.

### سیره عملی حضرت برای اثبات امامت حضرت علی ع

عمل کرد حضرت زهراء س نیز دلیل دیگری در دفاع و تثبیت حقانیت حضرت علی(ع) است.

### حضور در استنصار شبانه از اصحاب

همراهی حضرت زهراء س در استنصارهای شبانه حضرت علی ع از مهاجرین و انصار، تأیید حق علی ع است. تصریح اهل سنت مانند: «و خرج علي كرم الله وجهه يحمل فاطمة بنت رسول الله صلي الله عليه و سلم علي دابة ليلا في مجالس الأنصار يسألهم (تسألهم) النصره،...» (الدينوري، بی تا، ۱: ۱۹) «علي، شب ها، فاطمه را سوار بر مرکبی می کرد و در خانه انصار را می زدند و از آنها طلب یاری می کردند...»

همچنین دفن شبانه حضرت علاوه بر نفی خلفاء، تثبیت علی ع است زیرا علی ع وصی ایشان بوده و این وصیت فرصتی برای اعلام مظلومیت خویش و ظلم مدعیان خلافت در غضب فدک و خلافت را برای مردم زمان خود و تمام تاریخ در اختیار حضرت علی ع قرار دادند.

عناوینی که می توان به عنوان تثبیت عملی حضرت علی ع توسط حضرت زهراء س

مطرح نمود ولی در این رساله بطور کافی پرداخته نشد عبارتند از:  
اصل مسجد آمدن ایشان و خطبه خواندن در جمع مهاجرین و انصار، همچنین گریه  
های ایشان در مدینه و در حضور زنان مدینه بر مظلومیت و غصب حق علی ع، دفاع عملی  
از حق علی ع بوده.

### **نتیجه گیری**

نتیجه مقاله اثبات امامت حضرت علی ع با دو دلیل و قیاس مستقل، استثنایی و اقتراعی،  
با حد وسط سیره فاطمی و بررسی اسناد حاصل است.



## فهرست منابع

قرآن مجید

- نهج البلاغه (سید رضی، (۱۴۱۲ق)، نهج البلاغه، تحقیق محمد عبده، دار الذخائر، قم)
۱. آقابزرگ، طهرانی، (۱۴۰۳ق)، الذریعة الي تصانیف الشیعة، بیروت، دار الاضواء، چاپ سوم.
  ۲. آمدی، سیف الدین، (بی تا)، أبکار الأفكار فی أصول الدین، دارالکتب.
  ۳. ابن أبي الحديد المدائني المعتزلي، أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد، (۱۴۱۸ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد عبدالکریم النمري، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
  ۴. ابن أبي شيبة، أبو بكر بن أبي شيبة عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستي العبسي، (۱۴۰۹ق)، المصنف في الأحاديث والآثار، رياض، مكتبة الرشد الرياض، چاپ اول.
  ۵. ابن أثير، عز الدين البالحسن علي ابن ابى الكرم محمد بن محمد بن عبدالكريم بن عبدالواحد الشيباني، (۱۳۸۵ق)، الكامل في التاريخ، بيروت: دار البيروت.
  ۶. ابن الأثير، مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الكريم الشيباني الجزري، (۱۳۶۴ش)، النهاية في غريب الحديث و الاثر، قم، مؤسسه اسماعيليان.
  ۷. ابن بابويه، علي بن حسين، (بی تا)، الامامة و التبصرة من الحيرة، بی جا: مدرسة الامام المهدي.
  ۸. ابن بطلال البكري القرطبي، أبو الحسن علي بن خلف بن عبد الملك، (۱۴۲۳ق)، شرح صحيح البخاري، تحقیق: أبو تميم ياسر بن إبراهيم، رياض، مكتبة الرشد، چاپ دوم.
  ۹. ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد بن حبان ابو حاتم التميمي البستي، (بی تا)، صحيح ابن حبان، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، مؤسسه الرساله.
  ۱۰. ابن حجر العسقلاني، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد، (۱۴۱۵ق)، الإصابة في تمييز الصحابة، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود و علي محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، الشامله.
  ۱۱. -----، (بی تا)، فتح الباري في شرح صحيح البخاري، بیروت، دارالمعرفة و النشر.
  ۱۲. -----، (۱۴۰۴ق)، تهذيب التهذيب، بیروت، دار الفكر، چاپ اول.
  ۱۳. ابن حزم الظاهري، علي بن أحمد بن سعيد أبو محمد، (بی تا)، المحلى، تحقیق: لجنة إحياء

التراث العربي، بيروت، دار الآفاق الجديدة.

١٤. ابن حيون، نعمان بن محمد مغربي، (بي تا)، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، بي تا.

١٥. أبو الصلاح حلبى، تقى بن نجم الحلبي، (بي تا)، تقريب المعارف، بي تا، بي تا.

١٦. ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن علي، (١٣٧٦ق)، مناقب آل أبي طالب، تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، نجف، مطبعة الحيدرية.

١٧. ابن طاووس، علي بن موسى، (بي تا)، الطرائف في معرفة مذهب الطوائف، محقق و مصحح: علي عاشور، قم: نشر خيام، قم.

١٨. ابن طيفور، احمد بن أبي طاهر، (بي تا)، بلاغات النساء، قم: الشريف الرضي.

١٩. ابن عبد البراج، (بي تا)، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، بيروت، دار الجبل.

٢٠. ابن عساكر الدمشقي الشافعي، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله، (١٩٩٥م)، تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، بيروت: دار الفكر.

٢١. ابن عبدربه الأندلسي، أبو عمر شهاب الدين أحمد بن محمد بن عبدربه ابن حبيب ابن حدير بن سالم المعروف بابن عبدربه، (١٤٠٤ق)، العقد الفريد، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول.

٢٢. الاسكافي، ابى جعفر محمد بن عبد الله المعتزلى، (١٤٠٢ق-١٩٨١م)، المعيار والموازنه فى فضائل الامام امير المومنين على بن ابى طالب وبيان افضليته على جميع العالمين بعد الانبياء والمرسلين، محمد باقر المحمودى، بي تا، چاپ اول.

٢٣. ابو الصلاح حلبى، تقى بن نجم، (١٤٠٤ق)، تقريب المعارف، نشر الهادى-قم.

٢٤. صفار، ابو جعفر محمد بن الحسن بن فروخ، (١٤٠٤ق)، بصائر الدرجات الكبرى، تهران: منشورات الاعلمى.

٢٥. راغب الأصفهاني، ابى القاسم الحسين بن محمد، (١٣٨٧ش)، المفردات فى غريب القرآن، ايران: مؤسسه فرهنگى آرايه، چاپ اول.

٢٦. خزاز قمى، ابى القاسم على بن محمد بن على الخزاز القمى الرازى، (بي تا)، كفاية الاثر فى النص على الأئمة الاثنى عشر، تحقيق: سيد عبداللطيف حسيني كوهكمري خوئى، ايران: انتشارات خيام.

٢٧. أحمد بن حنبل، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد شيباني، (١٤٢١ق)، مسند الإمام

أحمد بن حنبل، تحقيق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، إشراف: عبد الله بن عبد المحسن التركي، بيروت، مؤسسة الرسالة، چاپ اول.

۲۸. -----، (۱۴۰۳ق)، فضائل الصحابة، بيروت: مؤسسة الرسالة، اول. المكتبة الشاملة.

۲۹. اربلي، علي بن عيسى، (۱۳۸۱ق)، كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة)، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سيد هاشم، تبريز: بني هاشمی.

۳۰. امر تسرى، عبيد الله، (۱۳۷۳ش = ۱۹۹۳م)، أرجح المطالب في سيرت امير المؤمنين، لاهور: حق برادرز، تهران، پایگاه اطلاع رسانی کتابخانه های ایران).

۳۱. الايجي، مير سيد شريف، (بي تا)، شرح المواقف، ناشر: الشريف الرضي.

۳۲. بحراني اصفهاني، عبد الله بن نور الله، (۱۴۱۳ق)، عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد)، محقق / مصحح: موحد ابطحي اصفهاني، محمد باقر، مؤسسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ايران؛ قم، چاپ اول.

۳۳. البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبد الله الجعفي، (۱۴۰۱ق)، صحيح البخاري، دار الفكر، بي جا.

۳۴. بدر العيني، عمدة القاري، (بي تا)، شرح صحيح البخاري، بيروت، دار احياء تراث العربي.

۳۵. البرقي، احمد بن محمد بن خالد، (بي تا)، محاسن، ناشر: دار الكتب الاسلامية.

۳۶. البلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر، (بي تا)، انساب الأشراف، تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلي، بيروت، دار الفكر، اول، المكتبة الشاملة.

۳۷. تفتازاني، سعد الدين، (۱۴۰۷ق)، شرح العقائد النسفيه، تحقيق دكتور حجازي، قاهره، مكتبة الكليات الازهرية، چاپ اول.

۳۸. تفتازاني، سعد الدين، (بي تا)، شرح المقاصد، ناشر، الشريف الرضي.

۳۹. الجزري، عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد، (۱۴۱۷ق - ۱۹۹۶م)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، تحقيق عادل أحمد الرفاعي، بيروت، دار إحياء التراث العربي.

۴۰. جوهری بصری، احمد بن عبد العزيز، (بي تا)، السقيفة و فلك، محقق / مصحح: اميني، محمد هادی، تهران: مكتبة نينوى الحديثة.

۴۱. حاكم نيشابوري، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع، (بي تا)، المستدرک على الصحيحين، بيروت، دار

المعرفة.

٤٢. حر عاملی، محمد بن حسن، (١٤٠٩ق)، وسائل الشیعة، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.

٤٣. حلی، (١٤١٧ق)، النافع يوم الحشر فی شرح الالباب حادی العشر، بیروت، دارالأضواء.

٤٤. الخراساني، أبو أحمد حميد بن مخلد بن قتيبة بن عبدالله المعروف بابن زنجويه، (بی تا)، الأموال، بی تا، بی جا.

٤٥. خزاز رازی، علی بن محمد، (١٤٠١ق)، كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، محقق: حسینی کوهکمری - عبداللطيف، قم: بيدار.

٤٦. خصیبي، حسين بن حمدان، (١٤١٩ق)، الهداية الكبرى، بیروت، بی تا.

٤٧. الخطاب الرعيني، (بی تا)، المواهب الجليل باب البغاه، بیروت: الكتب العلمية.

٤٨. خواجه نصير الدين طوسی، (١٤١٣ق)، قواعد العقائد، ناشر: دار الغربية، کتابخانه کلام اسلامی نور.

٤٩. دار الفطنی، أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي، (١٤٠٥ق)، العلل الواردة في الأحاديث النبوية، تحقيق و تخریج: محفوظ الرحمن زين الله السلفي، دار طيبة - الرياض، چاپ اول، الشامله.

٥٠. الدينوري، ابي محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة، (بی تا)، الامامة و السياسة، تحقيق: طه محمد الزيني، نشر مؤسسه الحلبي. نرم افزار اهل البيت.

٥١. ديلمی، حسن بن محمد، (١٤١٢ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمی)، قم: الشريف الرضي.

٥٢. زبيدي، محب الدين ابي فيض السيد محمد مرتضى الحسيني الواسطي الحنفي، (١٤١٤ق-١٩٩٤م)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفكر، چاپخانه: علي شيري.

٥٣. زكريا ابوالحسين احمد بن فارس، (١٤٠٤ق)، معجم مقاييس اللغة، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، ناشر: مكتبة الإعلام الإسلامي، چاپخانه: مكتبة الإعلام الإسلامي.

٥٤. السبكي، تاج الدين ابي نصر عبد الوهاب بن علي بن عبد الكافي، (بی تا)، رفع الحاجب عن مختصر ابن الحاجب، تحقيق: الشيخ علي محمد معوض و الشيخ عادل احمد عبد الموجود، بیروت:

نشر عالم الكتب، چاپ اول.

٥٥. سليمان بن ابراهيم القندوزي الحنفي، (١٤١٦ق)، ينابيع المودة لدوى القربى، تحقيق: سيد علي

جمال اشرف الحسيني، بيروت: دار الاسوة.

۵۶. سليم بن قيس هلالی، (۱۴۰۵ق)، كتاب سليم بن قيس الهلالي، ايران؛ قم، چاپ اول.
۵۷. السمعوني الجزائري، طاهر بن محمد صالح بن احمد بن موهوب الاصل الدمشقي، ۱۴۱۶ق، توجيه النظر الى اصول الاثر، تحقيق: عبدالفتاح ابو غدة، حلب، مكتب المطبوعات الاسلامی.
۵۸. سيد شهاب الدين مرعشي نجفی، (بی تا)، شرح احقاق الحق، قم: انتشارات کتابخانه آية الله العظمی مرعشي.
۵۹. السيوطی، جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر، (۱۴۰۶ق)، حاشیه السندی علی سنن النسائي، حلب: مكتب الاسلامیة.
۶۰. طبقات الحفاظ، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول.
۶۱. شامي، يوسف بن حاتم، (۱۴۲۰ق)، الدر النظيم في مناقب الأئمة اللهاميم، ناشر: جامعه مدرسين، قم.
۶۲. شريف سيد مرتضى، بی تا، الشافی فی الامامة، تهران: موسسه صادق.
۶۳. شعيري، تاج الدين محمد بن محمد، (بی تا)، جامع الأخبار (لشعيري)، نجف، مطبعة الحيدريه، چاپ اول.
۶۴. الشمس الدين محمد بن محمد بن محمد الجزري، (بی تا)، أسنى المطالب في من اقبال إمام علي(ع)، تهران، نقش جهان، نرم افزار معصومين نور.
۶۵. الشوكاني، محمد بن علي بن محمد بن عبد الله اليمني، (۱۴۱۹ق)، ارشاد الفحول الى تحقيق علم الاصول، تحقيق: شيخ خليل الميسر الدكتور ولي الدين صالح فرفور، دارالكتب العربيه، المكتبة الشامله.
۶۶. صالح بن فوزان بن عبدالله الفوزان، (۱۴۲۱ق- ۲۰۰۵م)، شرح (مسائل الجاهلية لمحمد بن الوهاب)، رياض: دارالعاصمة للنشر والتوزيع، چاپ اول. المكتبة الشاملة.
۶۷. صدوق، محمد بن علي بن الحسين ابن بابويه، (۱۳۷۸ش)، عيون اخبار الرضا (ع)، تهران: نشر جهان، و بيروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶۸. -----، (۱۳۷۶ش)، الأمالي، چاپ: ششم، ناشر: کتابچی.
۶۹. -----، (۱۳۶۲ش)، الخصال، ناشر: جامعه مدرسين - قم، چاپ اول.
۷۰. -----، (۱۳۸۵ق- ۱۹۶۶م)، علل الشرايع، تحقيق: تقديم: السيد محمد صادق بحر العلوم، نجف، منشورات المكتبة الحيدرية و مطبعتها.

۷۱. -----، (بی تا)، *كمال الدين وتمام النعمة*، قم، مؤسسه نشر اسلامی از توابع جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۷۲. -----، (۱۴۰۴ق)، *من لا يحضره الفقيه*، قم، انتشارات جامعه مدرسین قم، مکتبه اهل بیت.
۷۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ق)، *الوافي*، ناشر: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، مکان چاپ: اصفهان.
۷۴. فخر رازی، محمد بن عمر، (بی تا)، *المسائل الخمسون فی اصول الدین*، تحقیق احمد حجازی، قاهره: المکتب الثقافی.
۷۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ق)، *الوافي*، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، جامع الاحادیث نور.
۷۶. قمی، عباس، (بی تا)، *انوار البیہیة*، ناشر: مؤسسه نشر اسلامی.
۷۷. الصفدی، (۱۴۲۰ق - ۲۰۰۰م)، *صلاح الدین خلیل بن أییک، الوافی بالوفیات*، بیروت: دار إحياء التراث.
۷۸. الصنعانی، أبو بکر عبد الرزاق بن همام، (۱۴۰۳ق)، *المصنف*، تحقیق: حبيب الرحمن الأعظمي، بیروت، المکتب الإسلام، چاپ دوم.
۷۹. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول.
۸۰. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۹۰ق)، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران، الاسلامیه.
۸۱. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، (۱۴۱۳ق)، *دلائل الامامة (ط - الحدیثة)*، محقق/مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، بعثت.
۸۲. الطبرانی، ابی القاسم سلیمان بن احمد، (۱۴۱۵ق)، *المعجم الاوسط*، تحقیق: بدار الحرمین، نشر دار الحرمین.
۸۳. الطوسی، أبو جعفر محمد بن الحسن بن علی بن الحسن، (بی تا)، *غیبة*، قم، دار المعارف الاسلامیه.
۸۴. -----، (۱۴۱۴ق)، *أمالی*، محقق/مصحح: مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، چاپ اول.
۸۵. الطیالسی، سلیمان بن داود، (بی تا)، *مسند ابی داود الطیالسی*، بیروت: دارالمعرفة.
۸۶. عبدالقادر بن محمد بن نصر الله القرشي، أبو محمد، محيي الدين الحنفي، (بی تا)،

- الجواهر المضيئه في طبقات الحنفية ، كراتشي: مير محمد كتب خان، الشامله.
۸۷. العطار، حسن ، (۱۴۲۰ق- ۱۹۹۹م)، حاشية العطار على جمع الجوامع، بيروت، دارالكتب العلمية.
۸۸. علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين الهندي، (بي تا)، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، بيروت، مؤسسه الرسالة.
۸۹. علامه اميني، (۱۳۹۷ق- ۱۹۷۷م)، الغدير في الكتاب و السنة و الادب، بيروت، دار الكتاب العربي، چاپ چهارم.
۹۰. عمر رضا كحالة،، (بي تا)، اعلام النساء في عالمي العرب و الاسلام، بيروت، مؤسسه الرسالة.
۹۱. العيني، بدر الدين محمود بن أحمد، (بي تا)، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
۹۲. كليني، محمد بن يعقوب،، (بي تا)، اصول كافي، تصحيح: علي اكبر غفاري، ناشر: دارالكتب الاسلامية، چاپ پنجم.
۹۳. متوكل على الله، احمد بن سليمان، (بي تا)، حقائق المعرفة في علم الكلام، انتشارات مؤسسه الامام زيد بن علي الثقافية، سايت همراه نور.
۹۴. محمد بن ابراهيم النعماني،، (بي تا)، الغيبة، قم: نشر انوار الهدى.
۹۵. محمد حياة الانصاري، (بي تا)، حديث الكساء، چاپخانه: خط المؤلف، بی جا، نرم افزار مکتبه اهل بيت.
۹۶. محمد ناصر الدين الباني، (بي تا)، صحيح وضعيف سنن الترمذی، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، بی جا، الشامله.
۹۷. محیی الدين النووی، (بي تا)، المجموع شرح المهذب (كتاب قتال اهل البغی)، ناشر دار الفكر.
۹۸. مفید، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبي عبدالله العکبري، (بي تا)، النکت الاعتقادية، ناشر، المؤتمر العالمي للشيخ المفید، بی جا، بی نا.
۹۹. -----، (بي تا)، الاختصاص، محقق: غفاري علي اكبري، محرمی زرندي، محمود، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید.
۱۰۰. المقریزی، (بي تا)، امتاع الاسماع، تحقيق: محمد عبد الحميد النميسي، بيروت، منشورات محمد علي بيضون دارالكتب العلمية، الشامله.
۱۰۱. مير سيد حامد حسين، (بي تا)، عبقات الأنوار في إثبات إمامة الأئمة الأطهار، ناشر: كتابخانه

امیر المؤمنین.

۱۰۲. النووی، (بی‌تا)، شرح مسلم، بیروت، دار الکتب العربی.

۱۰۳. النیسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری، (بی‌تا)، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

۱۰۴. الهیثمی، ابوالعباس أحمد بن محمد بن علی ابن حجر، (۱۴۱۷ق- ۱۹۹۷م)، الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة، تحقیق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - کامل محمد الخراط، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ اول. الشامله.

۱۰۵. هیثمی، أبو الحسن نور الدین علی بن أبي بكر بن سليمان الهیثمی، (۱۴۱۴ق- ۱۹۹۴م)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، تحقیق: حسام الدین القدسی، القاهرة، مكتبة القدسی.

۱۰۶. الیعقوبی، (بی‌تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.

۱۰۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۳۷۹ش)، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه محمد علی آبادی روحانی، تهران، بی‌نا، چاپ اول.